

همه آنها را می‌شناسند، حالا دیگر بیشتر مسافران دائم مترو می‌دانند هر زن و دختر جوانی که يك ساك بزرگ به دست یا کیف كوچك به كمر داشته باشد...

دستفروشان مترو کم‌کم به جزءلاینفکی از زندگی مسافرانی که این وسیله حمل و نقل عمومی را برای رسیدن به مقصد انتخاب کرده‌اند، تبدیل شده است. حالا مدت‌هاست که مسافران مترو و دستفروشان به همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار هم عادت کرده‌اند و حتی گاهی به شوخی می‌گویند اگر یک روز قرار باشد دستفروشان مترو اعتصاب کنند، جای خالی‌شان حتما احساس خواهد شد.

دستفروشي در مترو سن و سال نمي‌شناسد؛ از دخترک هشت ساله‌اي که بعد از ظهرها در واگن‌هاي خط يك مترو فال حافظ و دستمال كاغذي مي‌فروشد، دختران جواني که از صبح زود تا اواخر غروب با ساك‌هاي نسبتاً بزرگ يا كوله‌پشتي‌هايي که همراهشان است لباس زير، لوازم آرايش و بدليجات مي‌فروشند تا پيرزن محببه‌اي که كتاب دعا مي‌فروشد، يا پيرمرد فرتوتي که به سختي تلاش مي‌کند با حرکت در ميان جمعيت براي مسواک و خميردندان‌هاي در دستش مشتري پيدا کند.

هرچند واگن‌های مردانه از حضور دستفروشان نسبت به واگن‌های زنانه خلوت‌تر است اما در میان آنها هم هر از گاهی پیرمرد یا مردان میان‌سالی که اجناس مورد نیاز مردان را می‌فروشند، دیده می‌شود.

روزهاي اولي که پاي دستفروشان به واگن‌هاي مترو باز شد، هيچ کس حتي فکرش را هم نمي‌کرد روزي در ميان دستفروشان مترو دختران جوان تحصيلکرده را هم ببيند.

اگر تا چند سال پیش دستفروشان مترو بیشتر زنان میانسال با پوششی معمولی بودند، حالا در میان آنها زنان و دخترانی با تحصیلات دیپلم و دانشجو هم دیده می‌شوند که برای تامین معاش یا آن طور که بعضی‌هایشان هنگام درد دل با مسافران می‌گویند برای تامین مخارج تحصیل‌شان دستفروشی در مترو را انتخاب کرده‌اند.

در این میان زنان سرپرست خانوار یا خودسرپرست بیش از سایرین از این که توانسته‌اند کاسبی سالمی برای خودشان دست و پا کنند و لقمه نان حلالی به دست بیاورند، راضی به نظر می‌رسند.

بیشتر زنانی که در مترو دستفروشی می‌کنند معتقدند زنانه بودن محیطی که در آن کار می‌کنند از یک سو و شلوغی و عمومی بودن فضای ایستگاه‌های مترو باعث شده تا آنها اینجا احساس امنیت کنند.

هرچند تعداد زنان دستفروش در واگن‌های مترو به مراتب بیشتر از مردان دستفروش است اما در یکی دو سال اخیر کم و بیش می‌توان مردان میانسال و مسنی که در قسمت مردانه واگن‌های مترو، جلد مدارك شناسایی یا مسواك و خمیردندان و جوراب می‌فروشند ، هم دید.

قدرت گرفته از پرتال شمس - ITShams.ir

دستفروشان مترو از هر قشري هستند و با هر زباني و لهجه‌اي مشتريان اجناس خودشان را پيدا مي‌کنند؛ هم تهراني و هم شهرستاني.

از زن دستفروش ميانسال چادري که آنقدر ساده و خجالتي است که به سختي مي‌تواند فارسي صحبت کند و با همان کلمات دست و پا شکسته از مسافران مي‌خواهد از او دونات و لواشک بخرند، تا پيرمردي که حتي نام مسواک و خميردندان خارجي را که براي فروش به دستش داده‌اند، نمي‌تواند به درستي بگويد و کلامش باعث خنده مسافران مي‌شود.

برخي‌هايشان هم قبل از اين که لهجه‌شان نشان بدهد اهل کجا هستند، چهره‌شان همه چيز را مي‌گويد، مانند آن زن ميانسال با پوست روشن و لهجه غليظ شمالي که در برخي ايستگاه‌هاي مترو آرد سبوس گندم مي‌فروشد.

در کنار زنان ميانسال دستفروش مترو با گویش شمالي، کرد، ترک و... که تعدادشان هم کم نيست، برخي‌ها هم لهجه خاصي ندارند. دختران جواني که در مترو دستفروشي مي‌کنند بيشتر از اين گروه هستند.

طي چند سال اخير بازار داغ دستفروشي در مترو پاي افغاني‌ها را هم به مترو باز کرده است؛ زنان افغاني يا کولي‌هايي که کودکي را به پشت بسته و در ميان ده‌ها زن دستفروش مترو که برخي‌هايشان ادعاي داشتن حق آب و گل در اينجا دارند، تلاش مي‌کنند براي اجناس شان مشتري پيدا کنند.

يك معامله شيرين

روزهاي اولي که پاي دستفروشان به ايستگاه‌ها و داخل واگن‌هاي مترو باز شد، بسياري از مسافران نسبت به حضور آنها، سر و صدياي که براي فروش اجناس‌شان به راه مي‌انداختند و حتي نوع جنس‌هايي که برخي از آنها مي‌فروختند اعتراض داشتند و بلافاصله پس از پياده شدن از مترو نارضايتي خود را از حضور دستفروشان مترو به نگهبانان ايستگاه‌ها يا حتي راهبران قطارها اطلاع مي‌دادند.

ماموراني که در ايستگاه‌ها هم هر از گاهي داخل واگن‌ها سرکشي مي‌کردند و باديدن نايلون‌هاي بزرگ يا ساک‌هاي رنگارنگ دستفروشان بلافاصله اجناس‌شان را توقيف و دستفروشان را از واگن‌ها پياده مي‌کردند، اما حالا که دوسه سالي از آن روزها گذشته ديگر از آن بگير و ببندها خبري نيست!

حالا با گذشت چند سال از آن روزها خيلي چيزها تغيير کرده است، دستفروشان مترو براحتي در ايستگاه‌هاي مترو منتظر رسيدن قطار مي‌نشينند و با رسيدن قطار هم داخل واگن‌ها مي‌شوند و کارشان را شروع مي‌کنند. جالب اين که وقتي مسافران از آنها مي‌پرسند که نگران توقيف اجناس‌تان نيستيد، مي‌گويند که بيشتر ماموران ايستگاه‌ها چون مي‌دانند که آنها از سر نياز و براي کسب درآمد خانواده مجبور به دستفروشي هستند، چشم‌شان را مي‌بندند و فقط به تذکر بسنده مي‌کنند.

مسافران مترو هم مسافران معترض چند سال پيش نيستند. وقتي پاي صحبت‌شان مي‌نشيند از اين که مي‌توانند در مسير خانه تا محل کار بدون اين که وقت اضافه‌اي بگذارند، هرچه که نياز دارند، داخل مترو و با قيمتي مناسب‌تر از بيرون خريداري کنند، راضي هستند.

تقريباً جنسي نيست که دستفروشان آن را براي فروش داخل واگن‌هاي مترو نياورده باشند. مسافران مترو هم معتقدند که از شير مرغ تا جان آدميزاد را در بساط دستفروشان مترو مي‌توان پيدا کرد. کار و کاسبي دستفروشان مترو آنقدر گرفته که حالا مسافران دائم مترو خوب مي‌دانند اگر دنبال خريد جنس خاصي هستند، فروشنده آن را چه روزهايي و در کدام ايستگاه‌ها مي‌توانند پيدا کنند.

خلاصه اين که به نظر مي‌رسد حالا هم مسافران از حضور دستفروشان راضي هستند و هم دستفروشان مترو حاضر نيستند بازار داغ مشتريان خود را به هيچ قيمتي از دست دهند.

در اين ميان مسئولان مترو نيز صرفاً به اين که فعاليت دستفروشان مترو غيرقانوني است، بسنده کرده‌اند و فقط تماشاگر اين بازار اقتصادي کوچک هستند که در آن هم طرف خريدار و هم فروشنده از معامله‌اي که مي‌کنند، کاملاً راضي به نظر مي‌رسند.

فوت و فن‌هاي جذب مشتري

مشتري جمع کردن فوت و فن خاص خودش را دارد، اين يك اصل براي موفقيت در کار و کاسبي است. دستفروشي در مترو هم از اين قاعده مستثني نيست. دختران و زنانی که در واگن‌هاي مترو دستفروشي مي‌کنند بيش از هر چيز با اين موضوع کنار آمده‌اند که اگر

بخواهند در این کار بمانند باید خجالت را کنار بگذارند. این توصیه دوستانه قدیمی‌ترها به تازه‌واردهاست.

دیگر پوشش معمولی و سر و وضعی که حکایت از نیاز مالی فروشنده داشته باشد چندان کارساز نیست، این شگردها شاید برای متکدیان جواب بدهد اما برای دستفروشی در مترو چندان نسخه مناسبی نیست، چون آنها قرار است دستفروشی کنند، نه تکدیگری!

پوشیدن چادری پاره یا لباس‌های کهنه و رنگ و رو رفته یا همراه آوردن نوزادی شاید سال‌ها پیش برای مجاب کردن مشتریان به خرید اجناس از دستفروشان جواب می‌داد اما حالا دیگر خیلی وقت است که کارایی‌اش را از دست داده است. حالا دستفروشان مترو آموخته‌اند اول باید سر و وضع مناسبی داشته باشند. این اصل بخصوص از سوی زنانی و دخترانی که لوازم آرایش، لباس زیر، شال و روسری و... می‌فروشند کاملاً رعایت می‌شود، چراکه آنها می‌دانند آراستگی در جلب مشتری بی‌تاثیر نیست.

نکته مهم دیگری که این معامله را هم برای دستفروشان و هم برای مسافران مترو شیرین کرده است، تفاوت قیمت اجناس این فروشندگان با اجناس مشابهی است که در مغازه‌های سطح شهر فروخته می‌شود؛ موضوعی که مسافران را از خریدشان راضی نگه می‌دارد.

اکرم یکی از دستفروشان قدیمی مترو است که لوازم آرایشی و بهداشتی می‌فروشد، می‌گوید: همه در مترو مرا می‌شناسند، حتی تعداد زیادی مشتری ثابت دارم که می‌دانند چه زمان‌هایی در کدام خط هستم و همان جا سراغم می‌آیند، حتی خیلی‌ها از بیرون مترو می‌آیند و به من سفارش تعداد زیادی از محصولات را می‌دهند. همه می‌دانند که می‌توانند مرا در مترو پیدا کنند، زیرا اگر هم ندانند کجا هستم با کمی پرس و جو از فروشندگان پیدا می‌کنند.

اوایل همراه با فروش کالا شماره تلفنم را هم به کسانی که مایل بودند می‌دادم تا اگر بازهم درخواست خرید داشتند یا راهنمایی خواستند کمکشان کنم. حالا دیگر برای خودم کارت دارم و آن را به مشتری‌ها می‌دهم.

مردانی که در واگن‌های مردانه دستفروشی می‌کنند از این قاعده مستثنی هستند و فقط به گفتن نام محصول یا این‌که قیمت آن نسبت به سطح شهر ارزان‌تر است، بسنده می‌کنند. شاید هم نوع محصولاتی که می‌فروشند اجازه استفاده از تکنیک‌های خاص زنان دستفروش برای فروش اجناسشان را از آنها گرفته است.

دستفروشی؛ ویژگی انحصاری متروهای ایران

کشور ما ویژگی‌های منحصر به فرد بسیاری دارد که البته هر روز هم به تعداد آنها افزوده می‌شود. برخی از این ویژگی‌ها خیلی هم قدمت ندارد، بلکه ارمغان زندگی‌های مدرن شهری است که بعد از ورود به کشور ما با تغییراتی در محتوا و ظاهرشان منحصر به فرد شده است. یکی از این انحصارات ایرانی، پدیده دستفروشی در متروهاست.

هم‌اکنون مترو به عنوان یکی از کارآمدترین وسایل حمل و نقل در جهان مطرح است، حتی راه‌اندازی مترو در برخی کشورهای دنیا نسبت به کشور ما قدمتی بیش از چند دهه دارد، اما نکته جالب توجه این است که نه فقط بررسی‌های ما، بلکه گفته پژوهشگران گویای این است که دستفروشی به این شکل فقط منحصر به متروی کشور ماست.

در بسیاری از کشورهای دنیا، مجتمع‌های تجاری در مجاورت یا داخل ایستگاه‌های مترو ایجاد شده و جایگاه خود را هم در میان مشتریان پیدا کرده است، اما داخل واگن‌های مترو به این شیوه که هم‌اکنون در متروی کشورمان می‌بینیم، ممنوع است و جالب این‌که این قانون کاملاً از سوی شهروندان متروسوار رعایت می‌شود.

اما این پایان ماجرا نیست، چراکه مشاهدات و بررسی‌ها نشان می‌دهد پدیده دستفروشی در مترو خوشبختانه هنوز در همه شهرهایی که خطوط متروی آنها راه‌اندازی شده فراگیر نشده است. به طور نمونه در سفری که چندی پیش به مشهد داشتیم فرصتی پیش آمد تا برای رفتن به جایی در داخل شهر، مسیری را با مترو طی کنیم. نکته مهمی که در این میان توجه ما را به خود جلب کرد این بود که با وجود جمعیت قابل توجه مسافران، اما از دستفروشان در واگن‌های مترو خبری نبود. به نظر می‌رسد فعلاً متروی تهران در پدیده دستفروشی در مترو رکورددار است.

پوران محمدی / گروه جامعه